



Res. article

The difference between Phonological and Morphophonemic Manifestations in Optimality Theory: Investigation of Lenition in Ilami Dialect of Kurdish

Karamullah Pallizban¹, Arezoo Najafian^{2✉}, Fateme Karampour³, Mohammadreza Ahmadvani²

1- Ph.D. Student of Linguistics, Payame- Noor University, Iran. 2- Associate Professor, Department of General Linguistics, Payame- Noor University, Iran. 3- Assistant Professor, Department of General Linguistics, Payame- Noor University, Iran.

Received: 2019/10/03

Accepted: 2019/28/05

Abstract

The current study aims at investigating the manifestations of lenition in Ilami dialect of Kurdish based on optimality theory. The study was conducted in a descriptive-analytical method and the data were collected through a survey while recording the daily speech of speakers living in Ilam and were finally analyzed according to the linguistic intuition of one of the writers as a native speaker of the dialect studied. The analysis of the data shows that the vocalization of [b, d, g] is applied respectively through the processes of consonant approximation, deletion of stem vowel, deletion of prefix vowel, and finally conversion of the consonant into a vowel. Moreover, it has been revealed that vocalization is applied only in morphophonemic environments and in phonemic ones only the first process, namely consonant approximation, is applied. The findings also show that in explaining those processes having phonemic alternations and applied in several passes, serial model is of more efficacy than the parallel one since the former depicts the intermediate levels and the morphophonemic developments of the words in a step-to-step manner.

Keywords: lenition, morphophonemic, serialism, Ilami Kurdish, vocalization.

Citation: Pallizban, K., Najafian, A., Karampour, F., Ahmadvani, M. R. (2019). The difference between Phonological and Morphophonemic Manifestations in Optimality Theory: Investigation of Lenition in Ilami Dialect of Kurdish. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 7 (26), 17-32. (In Persian)





تفاوت رفتاری فرایندهای واجی و واژ-واجی در چارچوب رویکرد بهینگی: بررسی فرایند تضعیف در گویش کردی ایلام

کرم‌اله پالیزبان^۱، آرزو نجفیان^۲، فاطمه کریمپور^۳، محمدرضا احمدخانی^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، ایران. ۲- دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، ایران.

۳- استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۷

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی در چارچوب رویکرد بهینگی، فرایند تضعیف (واکه‌شدگی) را در گویش کردی ایلام بررسی کرده است. داده‌ها به صورت میدانی با ضبط گفتار روزمره گویشوران شهرستان ایلام گردآوری و براساس شمّ زبانی یکی از نویسندگان که خود از گویشوران کردی ایلام است، تجزیه و تحلیل شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که فرایند واکه‌شدگی همخوان‌های [g, d و b] با طی مراحل ناسوده‌شدگی، حذف واکه ریشه، حذف واکه پیشوند و در نهایت تبدیل همخوان به واکه صورت می‌گیرد؛ همچنین واکه‌شدگی تنها در محیط‌های واژ-واجی روی می‌دهد و در محیط‌های واجی با وجود فراهم‌بودن شرایط، تنها مرحله نخست، یعنی ناسوده‌شدگی اعمال می‌شود؛ همچنین در نوشتار پیش رو نشان داده شده است که در تبیین فرایندهای دارای تناویبات واجی که طی چندین مرحله اعمال می‌شوند، انگاره بهینگی متوالی از بهینگی موازی کارآمدتر است. به این دلیل که انگاره بهینگی متوالی مراحل میانی و شیوه تحولات واژ-واجی کلمات را به صورت مرحله‌به‌مرحله نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تضعیف، واژ-واجی، بهینگی متوالی، کردی ایلام، واکه‌شدگی.

استناد: پالیزبان، کرم‌اله؛ نجفیان، آرزو؛ کریمپور، فاطمه؛ احمدخانی، محمدرضا (۱۳۹۸). تفاوت رفتاری فرایندهای واجی و واژ-واجی در چارچوب رویکرد بهینگی: بررسی فرایند تضعیف در گویش کردی ایلام. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۷(۲۶)، ۱۷-۳۲.

۱- مقدمه

منظور از فرایندهای واژ-واجی^۱ آن‌دسته از فرایندهای واجی است که بر صورت تکواژها تأثیر می‌گذارد (کریستال^۲، ۲۰۰۳: ۳۰۲). بررسی‌های مختلف در زبان‌های گوناگون نشان می‌دهد که در شکل‌گیری صورت نهایی واژه‌ها، محدودیت‌های سطوح واجی و ساخت‌واژی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ به‌طوری‌که این تعامل، گاه مانع شکل‌گیری و گاهی نیز باعث تغییر صورت نهایی واژه می‌شود. در جدال میان سطح واجی و ساخت‌واژی احتمال پیروشدن سطح ساخت‌واژه بیشتر است؛ زیرا اگر همواره سطح واجی برنده باشد، پس برطبق قاعده همه واژه‌های زبان، فارغ از آنکه چه معنایی دارند، باید از مجموعه‌ای از بی‌نشان‌ترین ریشه‌ها و وندها به‌لحاظ واجی، تشکیل شده باشند (فتاحی، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۴). یکی از فرایندهای رایج واجی و واژ-واجی که به صورت‌های مختلف در زبان‌های گوناگون بروز پیدا می‌کند، تضعیف^۳ یا نرمی‌شدگی^۴ است. مدرسی قوامی (۱۳۹۴: ۲۲۶) این فرایند را اصطلاحی پوششی برای اشاره به فرایندهای هم‌زمانی و درزمانی واکدارشدگی^۵، نامشدشدگی^۶، زنشی‌شدگی^۷، سایشی‌شدگی^۸، نادهانی‌شدگی^۹، تبدیل به غلت و حذف^{۱۰} می‌داند که در آن‌ها آوایی به آوای ضعیف‌تر تبدیل می‌شود؛ در واقع، می‌توان این فرایند را به‌صورت پیوستاری در نظر گرفت که در یک سر آن خفیف‌ترین حالت به‌صورت تبدیل آوایی بی‌واک به واک‌دار و در سر دیگر آن، صورت شدید حذف آوا قرار می‌گیرد.

نظر به اهمیت و نیز کثرت وقوع آن در زبان‌های مختلف، این فرایند مورد بررسی‌های زبان‌شناختی قابل توجهی قرار گرفته است که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: باوئر^{۱۱} (۱۹۸۸) به تعریف نرمی‌شدگی و در عین حال تناقض‌ها و نواقص این تعریف پرداخته است. رومرو^{۱۲} (۱۹۹۲) فرایند نرمی‌شدگی سه همخوان انفجاری /b/، /d/ و /g/ را در زبان اسپانیایی بررسی

1. morphophonemic/ morphophonological process
2. D. Crystal
3. weakening
4. lenition
5. voicing
6. degemination
7. flapping
8. spirantization
9. debuccalisation
10. elision
11. L. Bauer
12. J. Romero

کرده است. جیکابز^۱ (۱۹۹۴)، فرایند تضعیف در زبان فرانسه را بررسی کرده است؛ اما شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین آثار در حوزه نرم‌شدگی، کرشنر^۲ (۱۹۹۸) است که فرایند نرم‌شدگی همخوانی را در چارچوب رویکرد بهینگی بررسی کرده است. شین^۳ (۱۹۹۹) نیز صورت‌های مختلف فرایند تضعیف را بررسی کرده و دلایل تضعیف همخوان‌های گرفته را در میان دو واکه یا دو آوای رسا تبیین نموده است. کوربین^۴ (۲۰۰۶) نیز تضعیف /s/ را در اسپانیایی بررسی کرده است. هارت^۵ (۲۰۱۰) نیز فرایند تضعیف را در زبان دانمارکی براساس رویکرد بهینگی بررسی نموده و نشان داده است که تضعیف فقط در جایگاه پایانهٔ هجا رخ می‌دهد؛ همچنین، سعده^۶ (۲۰۱۱) به تضعیف همخوان‌های /g/، /d/ و /b/ و تلفظ آن‌ها در جایگاه میان‌واکه‌ای در زبان باسکی اونداروآن^۷ پرداخته است.

در حوزهٔ زبان کردی نیز فرایند تضعیف مورد بررسی‌های زبان‌شناختی قرار گرفته است؛ برای نمونه، کرد زعفرانلو کامبوزیا و دیگران (۱۳۹۴) فرایندهای واجی تضعیف را در گونه‌های کردی ایلامی بررسی نموده‌اند و تأثیرات این فرایند را در داده‌های واجی به دست داده‌اند. زاهدی و سلیمانی (۱۳۹۴) نیز فرایند واجی تضعیف در گویش کردی سنندجی را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که این فرایند در همهٔ جایگاه‌هایی که تحت عنوان ضعیف شناخته می‌شوند، به منظور حفظ انطباق با اصل توالی رسایی رخ می‌دهد. همچنین، فتاحی (۱۳۹۴) صورت‌های آوایی متناوب پیشوندها و نیز شناسه‌های فعلی گویش کردی کلهری را در چارچوب رویکرد بهینگی بررسی کرده است و نشان داده است که انگارهٔ توالی هماهنگ در مقایسه با دیگر نسخه‌های رویکرد بهینگی، از قدرت تبیین بالاتری برخوردار است. زمانی و بدخشان (۱۳۹۵) فرایند نرم‌شدگی را در خوشه‌های همخوانی پایانی گویش کلهری تحلیل نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که در جهت ارضا نشدن محدودیت توالی رسایی، نرم‌شدگی نسبت به فرایندهای حذف و اضافه، فرایند بهتری قلمداد می‌شود.

پژوهش حاضر به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی و در چارچوب رویکرد بهینگی به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های ذیل است: در گویش کردی ایلام چه تفاوت‌های رفتاری‌ای بین صورت‌های مختلف فرایند تضعیف در سطح واژ-واجی و نیز در سطح واجی وجود دارد؟ چگونه می‌توان در سطح واژ-واجی،

1. H. Jacobs
2. R. Kirchner
3. S. Shin
4. L. C. Corbin
5. M. S. Hart
6. E. Saadah
7. Ondarroan Basque

فرایند نرمی‌شدگی را براساس نسخه‌توالی هماهنگ از رویکرد بهینگی تبیین نمود؟ و درنهایت محدودیت‌های دخیل در این فرایندها کدام است و با چه ترتیبی اعمال می‌شوند؟
داده‌های پژوهش به‌صورت میدانی و با ضبط ساعت‌ها گفتار روزمره مردم گردآوری شده و براساس شمّ زبانی یکی از نویسندگان که خود از گویشوران کردی ایلام است، تجزیه و تحلیل شده است. داده‌های نوشتار پیش رو براساس الفبای بین‌المللی آوایی^۱ آوانگاری شده‌اند.

۲- مبانی نظری^۲

یکی از شاخص‌ترین نظریه‌های مطرح در حوزه واج‌شناسی و به‌دنبال آن در حوزه واژ‌شناسی، رویکرد بهینگی است که آن را نخستین‌بار پرینس و اسمولنسکی^۳ در سال ۱۹۹۱ مطرح کردند. واج‌شناسی بهینگی شامل تعدادی محدودیت قابل نقض است که بر زیرساخت اعمال می‌شوند تا برون‌داد بهینه‌ای به‌دست آید که کمترین تخلف را از این محدودیت‌ها دارد. این محدودیت‌ها از نوع وفاداری^۴ و نشان‌داری^۵ است.

در این نظریه تبدیل درون‌داد به برون‌داد از راه مقایسه صورت می‌پذیرد؛ گزینه‌های برون‌داد محتمل برای هر درون‌داد با دو سازوکار صوری زاینده^۶ و ارزیاب^۷ صورت می‌گیرد. ارزیابی گزینه‌ها با به‌کارگیری سلسله‌مراتب محدودیت‌های قابل نقض هر زبان انجام می‌شود. برون‌داد واقعی، عضو بهینه‌ای است که ارزیاب آن را از میان گزینه‌های رقیب برمی‌گزیند (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۶۴۴-۶۴۹ و پرینس و اسمولنسکی ۲۰۰۴: ۳-۷). در نسخه‌های اولیه نظریه بهینگی به‌طور کلی فرض بر این بود که نگاهشت^۸ صورت زیربنایی بر صورت روساختی در یک مرحله رخ می‌دهد (پرینس و اسمولنسکی، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۴). در آثار تازه‌تر و با معرفی انگاره توالی هماهنگ^۹ که نخستین گام جدی در مسیر بهینگی متوالی است، اعتقاد به تغییرات گام به گام، شاخصه اصلی نگاه بهینگی متوالی به فرایندهای واژ-واجی است؛ درواقع، این رویکرد بهتر از بهینگی موازی^{۱۰} می‌تواند وجود تناوب‌های تکواژی را تبیین

۱- قلم مورد استفاده در این مقاله Doulos SIL (IPA)

۲- به دلیل محدودیت صفحه از پرداختن زیاد به بخش مبانی نظری پرهیز شده است.

3. A. Prince & P. Smolensky
4. faithfulness
5. markedness
6. generator
7. evaluator
8. mapping
9. Harmonic Serialism
10. parallelism

نماید؛ زیرا بخش زاینده مجاز نیست که بیش از یک تغییر را بر برون داد اعمال کند؛ لذا مفهوم اشتقاق، مسیر اشتقاق و نیز صورت‌های میانیِ واژ-واجی مشخص می‌شوند (پرینس و اسمولنسکی، ۱۹۹۳ و اسمولنسکی، ۱۹۹۵).

۳- بحث

بررسی داده‌های گویش کردی ایلام نشان می‌دهد که فرایند نرمی‌شدگی یا تضعیف از فرایندهای متداول در این گویش است. بنابر نظر ینسن^۱ (۲۰۰۴: ۵۶) تضعیف کاهش درجهٔ بست آوا است که شدیدترین نمود آن واکه‌شدگی^۲ همخوان است:

جدول (۱). واکه‌شدگی همخوان‌های انسدادی واکدار در کردی ایلامی

معنی	برون‌داد	درون‌داد
رفتند	[tʃu-n] ^۳	/tʃəg+ən/ شناسه س. ج + بن ماضی فعل رفتن
بگیر	[b-ur]	/bə + gər/ بن مضارع فعل گرفتن + پیشوند امر
بُر	[b-ur]	/bə + bər/ بن مضارع فعل بریدن + پیشوند امر
پاره کن	[b-ēr]	/bə + dər/ بن مضارع فعل پاره کردن + پیشوند امر

همان‌طور که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند، در گویش کردی ایلام سه همخوان به‌صورت زیر به واکه تبدیل می‌شوند:

/g/ → [u], /b/ → [u], /d/ → [ē]

در نگاه نخست ممکن است چنین تصوّر شود که یک همخوان انسدادی واکدار به یک واکه تبدیل شده است؛ حال آنکه، چنین تبدیلی طی چندین فرایند متوالی و در چند مرحله اعمال می‌شود. نخستین فرایند دخیل در این تغییر محدودیت نرمی‌شدگی است که کندی^۴ (۲۰۰۸) آن را مطرح کرد و به‌صورت زیر مانع از حضور همخوان‌های انسدادی در بین دو واکه می‌شود:

1. J. Jensen

2. vocalization /vowelization

۳- /u/ واج‌گونه‌ای است از واکهٔ /u/ با مشخصه‌های آوایی [بسته، پسین، غیر گرد] (پالیزبان، ۱۳۸۰: ۶۴).

4. R. Kennedy

1) Lenition

- حضور همخوان‌های گرفته [-son و -cont] در بین دو واکه مجاز نیست. محدودیت نشان‌داری بالا به‌مثابه محدودیتی جهانی که دارای رتبهٔ بیشینه است، در تعارض با محدودیت وفاداری IDENT[sonor] قرار دارد که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

2) IDENT[sonor]

- به‌ازای هر مورد تغییر مشخصه [-sonorant] به [+sonorant] یک نشانهٔ تخطی اختصاص داده شد. در اینجا بیشتر به این مسئله پرداخته می‌شود. اگر از نگاه بهینگی موازی به فرایند واکه‌شدگی در نمونه‌های جدول (۱) پرداخته شود، ناگزیر از مراحل میانی^۱ چشم‌پوشی خواهد شد و آنگاه بهینگی واژه /bə-dəz/ (بدزد) به‌صورت تابلو (۱) نشان داده می‌شود:

تابلو (۱). بهینگی موازی واژه /bədəz/ (بدزد)

/bə-dəz/	LENITION	MAX	IDENT[sonor]
a. [bēz]		*	*
b. [bədəz]	*!		

برخلاف آنچه در تابلو بالا مشاهده می‌شود، برای چنین نگاشتی چندین مرحله وجود دارد که برخی از آن‌ها از نگاه بهینگی موازی مغفول می‌ماند. این درحالی است که براساس سازوکار بهینگی متوالی، مسیر اشتقاق /bədəz/ به /bēz/ به‌صورت زیر خواهد بود:

< bədəz, bəy̆əz̆, bəy̆z, b̆y̆z, bēz >

در اولین گذر از بخش زاینده، درون‌داد صورت زیربنایی /bədəz/ است و مجموعهٔ گزینه‌ها شامل صورت وفادار و بدون تغییر [bədəz] به‌علاوه همهٔ صورت‌هایی که با درون‌داد /bədəz/ تنها از یک جنبه تغییر کرده‌اند، همچون [b̆d̆əz, b̆əd̆z, b̆əy̆əz̆] و... خواهد بود؛ درواقع، فرایندی که بر /bədəz/ اعمال می‌شود، ناسوده‌شدگی همخوان /d/ است. براساس نظرات کرشنر (۲۰۰۱: ۴) هدف از اعمال فرایند سایشی‌شدگی، تلاش کمتر در تولید همخوان است؛ محدودیتی که در اینجا باعنوان Lenition از

1. intermediate

۲- /y̆/ همخوانی است با مشخصه‌های آوایی [کامی، غلتی، نرم، واکدار]. (فتاحی، ۱۳۹۰: ف)

آن یاد می‌شود و به‌مثابه محدودیت مسلط، عامل نرمی شدگی همخوان /d/ است. در مرحله دوم، صورت [bəy̆əz] که برنده مرحله قبل است، درون‌دادی خواهد شد برای گذر دیگری از بخش زاینده. این بخش نیز با پذیرش این درون‌داد، مجموعه‌ای از گزینه‌هایی همچون [bəy̆əz], [bəy̆z], [b̆y̆z] ... را تولید می‌کند که در آن‌ها یا تغییری وجود ندارد (صورت وفادار [bəy̆əz]) یا تغییر تنها از یک نظر است. براساس مسیر اشتقاق و روابط تسلط میان محدودیت‌ها، برنده این مرحله از ارزیاب، صورت [bəy̆z] خواهد بود. محدودیت مسلط دخیل در این فرایند SYNCV است و به‌صورت زیر باعث حذف^۱ واکه ریشه می‌شود. عامل وقوع فرایند حذف واکه محدودیت نشان‌داری SYNC است که نخستین بار کیبل^۲ (۲۰۰۴: ۱۴) و لیف^۳ (۲۰۰۶: ۳۰۱) آن را به‌صورت زیر مطرح کردند:

3) SYNC

– هنگامی که شرایط وزنی^۴، زنجیری^۵ و زبرزنجیری^۶ اجازه دهد، واکه میانی باید حذف شود. محدودیت بالا که با توجه به حذف واکه ریشه در اینجا SYNC^{STEM} نامیده می‌شود، باعث می‌شود واکه ستاک فعل حذف شود و به‌صورت [bəy̆z] درآید؛ درواقع اعمال این تغییرات به رتبه‌بندی بستگی دارد و هماهنگی همواره نسبت به سلسله‌مراتب محدودیت‌ها تعیین می‌شود. در توالی هماهنگ به‌دلیل اصل تدریجی بودن^۷، تبدیل [bəy̆z] به [bēz] در یک مرحله ممکن نیست و اشتقاق باید از یک صورت میانی بگذرد. اینجاست که در توالی هماهنگ از حلقه^۸ موکد-ارزیاب-موکد، [bəy̆z] از [bəy̆əz] هماهنگ‌تر است. در مرحله سوم [bəy̆z] درون‌دادی می‌شود برای بخش زاینده و در این مرحله نیز درکنار صورت وفادار [bəy̆z]، صورت‌های دیگری چون [b̆y̆z]، [b̆y̆əz] و... تولید خواهد شد. محدودیت وفاداری که در برابر محدودیت نشان‌داری SYNC^{STEM} قرار دارد، MAX^V است که گافوس^۹ (۲۰۰۳) آن را مطرح کرد و براساس آن حذف واکه پایه فعل به‌صورت زیر غیر مجاز تلقی می‌شود:

4) MAX^V

– واکه ستاک در برون‌داد باید همان واکه درون‌داد باشد (حذف واکه مجاز نیست).

1. syncope
2. S. Cable
3. E. A. Lief
4. metrical
5. segmental
6. suprasegmental
7. gradualness
8. loop
9. A. I. Gafos

سپس فرایند حذف واکه پیشوند عمل می‌کند. عامل حذف واکه پیشوند در این مرحله محدودیت نشان‌داری مسلط SYNC است که پیش‌تر به صورت (۳) بیان شد و در اینجا با هدف مشخص کردن آن از فرایند حذف واکه ریشه، به صورت SYNCV^{PREFIX} نشان داده می‌شود. محدودیت وفاداری MAX-V-A که به وسیله مک‌کارتی^۱ (۲۰۰۰) مطرح شد، در برابر محدودیت بالا قرار گرفته و هرگونه حذف واکه‌وند را به صورت زیر غیر مجاز می‌داند:

5) MAX-V-A:

- واکه درون‌داد وند باید همان واکه متناظر در برون‌داد باشد (حذف واکه مجاز نیست).
از آنجاکه در گویش کردی ایلام، محدودیت نشان‌داری SYNCV^{PREFIX} بر محدودیت وفاداری MAX-V-A تسلط دارد، در مرحله چهارم نیز [bÿz] وارد بخش زاینده می‌شود و در نهایت گزینه‌هایی چون صورت وفادار [bÿz] و صورت‌های متنوع دیگر تولید می‌شود؛ همچنین، به دلیل اینکه در این گویش هجای سه‌همخوانی که فاقد واکه باشد، مجاز نیست؛ محدودیت مسلط Nuc (پرینس و اسمولنسکی، ۱۹۹۳) وارد عمل شده و همخوان /ÿ/ را به واکه /ē/ تبدیل می‌کند.

6) Nuc

- هجا باید هسته داشته باشد.
محدودیت نشان‌داری (۶) که به‌طور جهانی رتبه بیشینه دارد، بر محدودیت وفاداری IDENT(CONS) (باکوویچ^۲، ۲۰۰۵) که در (۷) بیان شده است، مسلط است و همین امر باعث می‌شود تا [bēz] بر [bÿz] فائق آید و به‌مثابه گزینه بهینه انتخاب شود:

7) IDENT (CONS):

- عناصر آوایی متناظر در درون‌داد و برون‌داد در ویژگی همخوانی ارزش یکسانی دارند.
در این مرحله، صورت بهینه [bēz] برنده خواهد بود. در مرحله پنجم از اشتقاق، [bēz] وارد بخش درون‌داد می‌شود و در این مرحله، درون‌داد با صورت روساختی همگرا^۳ شده و تغییر دیگری اعمال نمی‌شود و اشتقاق به پایان می‌رسد.

براساس این، در گویش کردی ایلام، هنگامی که پیشوندی به فعل اضافه شود و در صورتی که ستاک فعل با یک همخوان انسدادی واکدار آغاز شود، همخوان یادشده به تأثیر از فرایند ناسوده‌شدگی، به یک

1. J. McCarthy
2. E. Baković
3. convergent

همخوان ناسوده تبدیل شده و این خود آغازی خواهد بود برای اعمال دیگر فرایندهای واژواجی. تابلوهای زیر مراحل اشتقاق پیش گفته را با در نظر گرفتن روابط تسلط خاصی از محدودیت‌ها، برای فعل /bægər/ (بگیر) نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روابط تسلط میان محدودیت‌ها در هر مرحله ثابت است و در هر مرحله از اشتقاق، تغییر بر درون‌داد اعمال شده و برنده هر مرحله به درون‌داد جدیدی تبدیل می‌شود. از آنجا که بخش ارزیاب همواره فعال است، در اشتقاق $bægər, >$ $bəwəɾ, bəwɛ, buɛ, buɾ$ هر مرحله باید به شکل بهتری سلسله مراتب میان محدودیت‌ها را رعایت کرده و نسبت به برنده مرحله قبل، تخطی کمتری از محدودیت‌های مسلط داشته باشد؛ در واقع، اشتقاق یادشده به روشنی مفهوم ارتقای سطح هماهنگی^۱ را بیان می‌کند. براساس این مفهوم، A از B هماهنگ‌تر است، اگر و تنها اگر محدودیتی که در رتبه‌بندی میان محدودیت‌ها، بالاترین رتبه را دارد، نسبت به A و B قضاوت یکسانی نداشته باشد و تعداد جریمه‌هایی که به A می‌دهد، کمتر از تعداد جریمه‌هایی باشد که برای B در نظر دارد. اصل ارتقای سطح هماهنگی به این معناست که در مسیر اشتقاق $i_1 \text{---} > i_2 \text{---} > \dots > i_n \text{---}$ ، گزینه بهینه هر مرحله، نسبت به مرحله قبل هماهنگی بیشتری دارد، یعنی در هر مرحله، تخلف گزینه بهینه از محدودیت‌های مرحله بالا، به نسبت مرحله قبل، کمتر است. این ارتقای سطح هماهنگی مرحله به مرحله افزایش می‌یابد تا زمانی که به مرحله $i_n \text{---} > i_n$ می‌رسد که همان مرحله همگرایی است و در آن سطح هماهنگی تغییری نمی‌کند (فتاحی، ۱۳۹۴: ۳۲).

$< bægər, bəwəɾ, bəwɛ, buɛ, buɾ >$

تابلو (۲). مرحله اول اشتقاق $[bægər] \text{---} > [bəwəɾ] \text{---} > [bəwɛ] \text{---} > [buɛ] \text{---} > [buɾ]$ براساس انگاره متوالی

/bægər/	LENITION	IDENT ^[sonor]	SYNC ^{STEM}	MAX ^V	SYNC ^{PREFIX}	MAX-V-A	Nuc	IDENT[CONS]
a. [bəwəɾ]		*			*			
b. $[bægər]$	*!							
c. $[bægɾ]$	*!					*		

تابلو (۳). مرحله دوم اشتقاق $[bəwəɾ] \text{---} > [bəwɛ] \text{---} > [buɛ] \text{---} > [buɾ]$ براساس انگاره متوالی

/bəwəɾ/	LENITION	IDENT ^[son or]	SYNC ^{STEM}	MAX ^V	SYNC ^{PREFIX}	MAX-V-A	Nuc	IDENT[CONS]
a. [bəwɛ]		*		*	*			
b. $[bægər]$	*!		*					
c. $[bəwəɾ]$			*!		*			
d. $[buɛ]$							*!	

تابلو (۴). مرحله سوم اشتقاق [bʊɪr] ---> [bʊɪr] ---> [bʊɪr] ---> [bʊɪr] براساس انگاره متوالی

/bʊɪr/	LENITION	IDENT ^[sonor]	SYNC ^{STEM}	MAX ^V	SYNC ^{PREFIX}	MAX-V-A	Nuc	IDENT[CONS]
a. [bʊɪr]					*!			
b. \mathcal{E} [bʊɪr]		*		*		*	*	

تابلو (۵). مرحله چهارم اشتقاق [bʊɪr] ---> [bʊɪr] ---> [bʊɪr] ---> [bʊɪr] براساس انگاره متوالی

/bʊɪr/	LENITION	IDENT ^[sonor]	SYNC ^{STEM}	MAX ^V	SYNC ^{PREFIX}	MAX-V-A	Nuc	IDENT[CONS]
a. [bʊɪr]							*!	
b. [bʊgər]	*!		*		*			
c. [bʊɪr]					*!			
d. \mathcal{E} [bʊɪr]								*

تابلو (۶). مرحله پنجم اشتقاق [bʊɪr] ---> [bʊɪr] ---> [bʊɪr] ---> [bʊɪr] (همگرایی) براساس انگاره متوالی

/bʊɪr/	LENITION	IDENT ^[sonor]	SYNC ^{STEM}	MAX ^V	SYNC ^{PREFIX}	MAX-V-A	Nuc	IDENT[CONS]
a. [bʊɪr]								
b. [bʊgər]	*!		*		*		*	
c. [bʊɪr]				*!	*		*	
d. [bʊɪr]							*!	
e. \mathcal{E} [bʊɪr]								

در تابلو (۲) و در مرحله اول، گزینه (a) که دست‌خوش فرایند سایشی شدگی شده است؛ به‌مثابه گزینه بهینه معرفی می‌شود؛ البته این گزینه محدودیت وفاداری IDENT^[sonor] را نقض کرده است؛ اما گزینه‌های (b) و (c) با وجودی که این محدودیت را رعایت نموده‌اند، به دلیل نقض محدودیت مسلط LENITION کنار گذاشته می‌شوند.

در تابلو (۳) نیز گزینه (a) به‌خاطر رعایت محدودیت مسلط فرایند حذف واکه ریشه به‌مثابه گزینه بهینه انتخاب می‌شود. این درحالی است که گزینه (b) به دلیل نقض محدودیت مسلط LENITION از رقابت با گزینه‌های دیگر کنار گذاشته می‌شود. گزینه (c) نیز به‌خاطر اینکه هیچ تغییری در آن ایجاد نشده، حذف می‌شود. از آنجاکه بخش زاینده در هر مرحله تنها مجاز به اعمال یک تغییر روی درون‌داد است، گزینه (d) که دو تغییر در آن ایجاد شده است، از صحنه رقابت کنار می‌شود.

در تابلو (۴) محدودیت مسلط فرایند حذف واکه ریشه یا SYNC^{PREFIX} است و از آنجاکه محدودیت وفاداری MAX-V-A در رتبه پایین‌تری قرار دارد، گزینه (b) به‌مثابه گزینه بهینه انتخاب می‌شود؛ زیرا

درون داد /bəuɾ/ است و برون داد در واقع، گزینه‌ای است که دست‌خوش فرایند حذف واکهٔ پیشوند شده است؛ اما گزینهٔ (a) به دلیل نقض این محدودیت حذف می‌شود. در مرحلهٔ بعد و در تابلو (۵)، /buɾ/ به مثابهٔ درون‌داد وارد بخش زاینده می‌شود. محدودیت مسلط در این مرحله Nuc است که به حضور قله در هجا اشاره می‌کند. گزینهٔ (d) به دلیل رعایت این محدودیت از بین گزینه‌های رقیب به منزلهٔ گزینهٔ بهینه انتخاب می‌شود. در مرحلهٔ پایانی که مرحلهٔ همگرایی است، درون‌داد گزینهٔ /buɾ/ است و در نهایت به مثابهٔ گزینهٔ بهینه انتخاب می‌شود.

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا در سطح واجی نیز مراحل اشتقاق پیش‌گفته عمل می‌کنند. پیش از آنکه به این پرسش پاسخ داده شود، داده‌های زیر را از نظر می‌گذرانیم. (با توجه به اینکه در نمونه‌های زیر واژهٔ بسیطی بررسی شده است و در نتیجه ریشه و پیشوندی وجود ندارد، محدودیت‌های SYNC^{STEM} و SYNC^{PREFIX} به ترتیب به صورت SYNC^{V1} و SYNC^{V2} نشان داده شده‌اند).

جدول (۲). ناسوده‌شدگی در سطح واجی

واژه	LENITION	SYNC ^{V1}	SYNC ^{V2}	Nuc	معنی فارسی
/dʒəgər/	[dʒəuɾ]	*[dʒəuɾ]	*[dʒuɾ]	*[dʒuɾ]	جگر
/tabər/	[tawər]	*[tawɾ]	*[twər]	*[twɾ]	تبر
/xədər/	[xəyər]	*[xəyɾ]	*[xÿər]	*[xÿɾ]	خِدر (اسم خاص)

همان‌طور که داده‌های بالا نشان می‌دهند، در گویش کردی ایلام، در سطح واجی تنها فرایند ناسوده‌شدگی عمل می‌کند و فرایندهای حذف واکه و واکه‌شدگی فقط در سطح واژ-واجی اعمال می‌شوند. تابلو (۲) این نکته را به خوبی نشان می‌دهد.

تابلو (۷). بهینگی واژه /ʔagər/ آتش براساس انگارهٔ متوالی

/ʔagər/	LENITION	IDENT ^[sonor]	SYNC ^{V1}	MAX ^V	SYNC ^{V2}	MAX-V-A	Nuc	IDENT[CONS]
a. ʔ[ʔauɾ]			*		*			*
b.*[ʔagər]	*!		*		*			*
c.*[ʔuɾ]					*!			*
d.*[ʔauɾ]			*!		*			*

تابلو بالا نشان می‌دهد که گزینهٔ b به دلیل تخطی از محدودیت مسلط LENITION از فهرست گزینه‌های رقیب حذف می‌شود. گزینهٔ c هم به دلیل تخطی از محدودیت SYNC^{V2} کنار گذاشته می‌شود. گزینهٔ d نیز با وجودی که محدودیت LENITION را رعایت کرده است، به دلیل نقض محدودیت

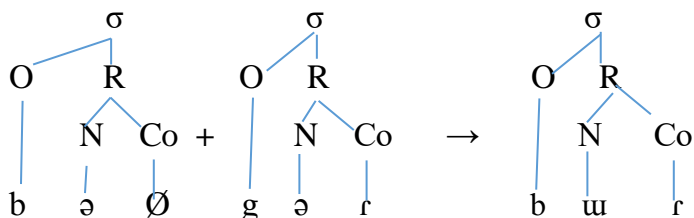
SYNC^{VI} حذف می‌شود؛ بنابراین، گزینه a به دلیل تخطی از محدودیت پایین‌تر، به مثابه گزینه بهینه انتخاب می‌شود.

با توجه به بررسی داده‌های گویش کردی ایلام، در مورد فرایند واکه‌شدگی می‌توان چنین گفت که این فرایند هم در سطح واجی و هم در سطح واژواجی عمل می‌کند؛ با این تفاوت که در ارتباط با سه همخوان /g, d, b/ در سطح واجی تنها منجر به ناسوده‌شدگی همخوان انسدادی واکدار می‌شود؛ حال آنکه در سطح واژواجی افزون بر اعمال فرایند ناسوده‌شدگی، به ترتیب فرایندهای حذف واکه ریشه، حذف واکه پیشوند و در نهایت تبدیل همخوان ناسوده به واکه اعمال می‌شود. با اعمال این فرایندها کاهش هجایی^۱ نیز اتفاق افتاده و تعداد هجاهای واژه از دو به یک هجا کاهش می‌یابد؛ در واقع می‌توان واکه‌شدگی را شیوه‌ای برای پرهیز از ساخت هجاهایی دانست که به پایانه پیچیده ختم می‌شوند؛ برای نمونه، مثال‌های زیر این نکته را تأیید می‌کنند:

بگیر *bæɣr

بشکاف *ʔælbəɣr

داده‌های بالا نشان می‌دهند که حضور پایانه پیچیده با ترکیب همخوان‌های ناسوده و روان در هجاهای گویش کردی ایلام مجاز نیست؛ بنابراین، هنگامی که فرایند حذف واکه ریشه اعمال می‌شود و سه همخوان در یک هجا قرار می‌گیرند، حضور واکه در هسته هجا الزامی است؛ به این دلیل که در این گویش در جایگاه هسته هجا، همواره یک واکه قرار می‌گیرد (پالیزبان، ۱۳۸۰: ۱۸). نتیجه اینکه ساختار دوهجایی CVCVC به هجای CVC کاهش می‌یابد. بازنمایی خودواحد^۲ واژه [bæɣr] (بگیر) به مثابه نمونه‌ای از این کاهش هجایی، به صورت (۸) نشان داده شده است:



(۸) بازنمایی خودواحد کاهش هجایی واژه [bæɣr] و هجابندی مجدد

یکی از بخش‌های مهم در تحلیل داده‌ها براساس رویکرد بهینگی، تعیین رتبه‌بندی محدودیت‌های

1. syllable contraction
2. autosegmental

نشان‌داری و وفاداری فعال است؛ براساس این، ترتیب محدودیت‌های فعال در فرایند واکه‌شدگی به صورت زیر است:

- LENITION >> IDENT[sonor]: - ناسوده‌شدگی همخوان‌های انسدادی واکدار بین دو واکه
 - SYNC^{STEM} >> MAX^V: - حذف واکه ریشه در حضور پیشوند
 - SYNC^{PREFIX} >> MAX-V-A: - حذف واکه پیشوند در حضور ریشه
 - Nuc >> IDENT[CONS]: - تبدیل همخوان به واکه در قله هجا
- بنابر آنچه گفته شد:

(الف) در گویش کردی ایلام، در سلسله مراتب محدودیت‌ها، محدودیت نشان‌داری LENITION در بالاترین مرتبه قرار دارد. این محدودیت حضور همخوان‌های انسدادی واکدار را در بین دو واکه جریمه می‌کند.

(ب) از سوی دیگر، داده‌های گویش نشان می‌دهد که یکی از شیوه‌های برآورده کردن محدودیت LENITION ناسوده‌شدگی است؛ فرایندی که منجر به نقض محدودیت IDENT[sonor] می‌شود. این محدودیت به حفظ میزان گرفتگی همخوان‌های انسدادی اشاره می‌کند.

(ج) محدودیت فعال بعدی SYNC^{STEM} است؛ یعنی، حذف واکه ریشه هنگامی که پیشوند به ستاک فعل اضافه می‌شود.

(د) در برابر محدودیت بالا، محدودیت وفاداری MAX^V قرار دارد مبنی بر اینکه حذف واکه ستاک غیر مجاز است؛ اما به دلیل آنکه محدودیت SYNC^{STEM} در مرتبه بالاتری از MAX^V قرار دارد، نمی‌تواند مانع از حذف واکه ستاک شود.

(ه) یکی دیگر از محدودیت‌های حاکم در گویش کردی ایلام SYNCV^{PREFIX} است که واکه پیشوند را هنگام اضافه شدن به ریشه، حذف می‌کند.

(و) آنچه به مثابه محدودیت وفاداری، از حذف واکه پیشوند جلوگیری می‌کند، محدودیت MAX-V-A است که حذف واکه پیشوند را مجاز نمی‌داند؛ اما از آنجا که در مرتبه پایین تری از SYNCV^{PREFIX} قرار دارد، نمی‌تواند مانع از حذف واکه پیشوند شود.

با توجه به محدودیت‌های بالا و براساس تحلیل داده‌ها مشخص می‌شود که یکی از فرایندهای واژ-واجی رایج در گویش کردی ایلام که هم‌زمان با فرایند تضعیف روی می‌دهد، کاهش هجایی است؛ به شکلی که واژه‌های سه‌هجایی به دوهجایی و واژه‌های دوهجایی به یک‌هجایی کاهش می‌یابند؛ جم

(۱۳۸۸: ۱۴۵) به وقوع این فرایند در سطح واجی در زبان فارسی اشاره می‌کند. وی نمونه‌های زیر را از این فرایند به دست می‌دهد:

a. /mo.ta.sad.di/ → [mot.sad.di] متصلی

b. /ha.re.kat/ → [har.cat] حرکت

c. /mo.te.fax.xes/ → [mot.fax.xes] متشخص

با توجه به آنچه گفته شد، درست در نقطه مقابل زبان فارسی که کاهش هجایی تنها در محیط‌های واجی رخ می‌دهد، در گویش کردی ایلام این فرایند تنها به محیط‌های واژ-واجی محدود می‌شود؛ به عبارت دیگر، در محیط‌های واجی، حتی اگر شرایط بافتی برای وقوع آن فراهم باشد، فرایند مزبور یادشده نمی‌شود؛ مانند:

d. kəwər → *kur نام کوهی در ایلام

e. xədər → *xēr خدر (اسم خاص)

۴- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که با هدف بررسی تفاوت رفتاری فرایندهای واجی و واژ-واجی گویش کردی ایلام در چارچوب رویکرد بهینگی انجام گرفته است، نشان داد که انگاره توالی هماهنگ در مقایسه با بهینگی موازی، از قدرت تبیین بالاتری برخوردار است؛ زیرا می‌توان مراحل میانی و شیوه تحولات واژ-واجی کلمات را به صورت مرحله‌به‌مرحله نشان داد و این همان نتیجه‌ای است که فتاحی (۱۳۹۴) نیز با بررسی واج‌شناسی فعل در کردی کلهری که گونه‌ای دیگر از زبان کردی است، به آن دست یافته است؛ همچنین تناوب‌های آوایی مربوط به افعال گویش تجزیه و تحلیل شدتاً محدودیت‌های هریک از آن‌ها همراه با روابط تسلط میان آن‌ها به دست داده شود. یافته‌های نوشتار پیش رو نشان می‌دهد که در داده‌های بررسی شده، فرایند سایشی‌شدگی همخوان‌های انسدادی و اکدار در محیط بین‌واکه‌ای به مثابه محدودیتی جهانی با رتبه پیشینه عمل می‌کند؛ همچنین از بین عواملی که سعه (۲۰۱۱) برای این فرایند در داده‌های زبان انداروآن ذکر می‌کند؛ یعنی، سرعت گفتار، محل تولید، جایگاه همخوان در واژه و زمان شروع واک، عاملی که منجر به فرایند سایشی‌شدگی در گویش کردی ایلام می‌شود، جایگاه همخوان در واژه است که در این ارتباط، پژوهش حاضر موضع بین‌واکه‌ای را بررسی کرده است؛ زیرا بررسی تضعیف و سازوکار آن در محیط‌های دیگر به مطالعات بیشتر نیاز دارد. رومرو (۱۹۹۲) با بررسی فرایند یادشده نشان می‌دهد که در زبان اسپانیایی عامل این فرایند وجود همخوان‌های پیوسته پیش از آن‌هاست. در نهایت اینکه یافته

یاکوبس مبنی بر بهتر بودن رویکرد بهینگی در تبیین فرایند تضعیف در مقایسه با نظریات دیگر، در جستار پیش رو تأیید می‌شود، با این توضیح که انگاره متوالی بهتر می‌تواند تناوب‌های واجی را در کردی ایلام تبیین نماید.

منابع

پالیزبان، کرم‌اله (۱۳۸۰). *نظام آوایی گویش کردی ایلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

جم، بشیر (۱۳۸۸). *نظریه بهینگی و کاربرد آن در تبیین فرایندهای واجی زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*. تهران: سمت.

زاهدی، محمدصدیق و حبیب سلیمانی (۱۳۹۴). تحلیل بهینگی فرایند تضعیف در کردی سنندجی. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۲ (۸)، ۶۳-۷۸.

زمانی، محمد و ابراهیم بدخشان (۱۳۹۵). تحلیل و توصیف فرایند نرم‌شدگی در زبان کردی (گویش کلهری). *فصلنامه زبان‌پژوهی*، ۱ (۱۹)، ۸۹-۱۰۲.

فتاحی، مهدی (۱۳۹۰). *فرایندهای صرفی-واجی در کردی کلهری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

----- (۱۳۹۴). *واج‌شناسی فعل در کردی: تحلیلی در نظریه بهینگی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه؛ الهام ثباتی و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۴). فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۵ (۹)، ۲۰۷-۲۲۵.

مدرسی قوامی، گلناز (۱۳۹۴). *فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی*. تهران: علمی.

References

- Baković, E. (2005). Antigemination, Assimilation and the Determination of Identity. *Phonology*, 22 (3), 279-315.
- Bauer, L. (1988). What is Lenition?. *Journal of Linguistics*, 24 (2), 381-392.
- Cable, S. (2004). *A Metrical Analysis of Syncope in Tlingit*. Ph.D. dissertation of Linguistics. Massachusetts Institute of Technology, Department of Linguistics and Philosophy.
- Corbin, L. C. (2006). *The Phonetics and Phonology of S-Lenition and Vowel Laxing in Eastern Andalusian Spanish*. MA Thesis of Linguistics, Williams College, Williamstown, Massachusetts.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Blackwell.

- Gafos, A. I. (2003). Greenberg's Asymmetry in Arabic: a Consequence of Stems in Paradigms. *Language*, 79 (2), 317-55.
- Hart, M. S. (2010). *Consonant Lenition in Danish*. MA Thesis of Linguistics, University of Troms.
- Jacobs, H. (1994). *Lenition and Optimality Theory*. Proceedings of LSRL XXIV, without page number.
- Jensen, J. (2004). *Principles of General Phonology*. Amsterdam: John Benjamins.
- Kennedy, R. (2008). Evidence for Morphoprosodic Alignment in Reduplication. *Linguistic Inquiry*, 39 (4), 589-614.
- Kirchner, R. (1998). *An Effort-Based Approach to Consonant Lenition*. Doctoral Dissertation of Linguistics. Los Angeles: University of California.
- (2001). *An Effort-Based Approach to Consonant Lenition*. New York: Routledge.
- Lief, E. A. (2006). *Syncope in Spanish and Portuguese: The Diachrony of Hispano-Romance Phonotactics*. Doctoral dissertation of Linguistics, Dornel University.
- McCarthy, J. (2000). The Prosody of Phase In Rotuman. *Natural Language and Linguistic Theory*, 18 (1), 147-197.
- Prince, A. & P. Smolensky (1993/2004) *Optimality Theory: Constraint Interaction in Generative Grammar*. Blackwell.
- Romero, J. (1992). *An Experimental Analysis of Spirantization in Spanish*. Paper Presented at ASA, New Orleans, LA.
- Saadah, E. (2011). Towards Quantifying Lenition in Ondarroan Basque. *Studies in the Linguistic Sciences: Illinois Working Papers*, 89-107.
- Shin, S. (1999). Consonantal Weakening and Licensing in Optimality Theory. *The 13th Pacific Conference on Language, Information and Computation*. Taiwan, Text version, 203-214.
- Smolensky, P. (1995). *On the Structure of the Constraint Component Con of UG*. Paper presented at University of California, Los Angeles.